

The Investigation M153+M342 Ideograms in the Proto Elamite Writing

Hassan Afshari*

Ruhollah Yousefi Zoshk**

Abstract

The Proto Elamite writing is the oldest writing system on the Iranian Plateau that has been widely used in most parts of the Iranian Plateau. The scribes probably used this line for complex and simple texts out of a sense of need, and today a large part of the surviving manuscripts is known as “standard texts” which has a relatively uniform grammatical structure in most of the inscriptions. It has caused this line to be better known. The purpose of this study is to investigate the function of M153 thinker and M153 + M342 composite thinker in different parts of Standard Proto Elamite Tablets. The authors of descriptive - analytical and collecting the research method used to identify different they have tried after two Ideograms compound to investigate the causes of the symptoms mentioned in different parts of the text to be Tablet. Typically tablets total number ends but half of the series at the end of the Tablet. As a result, it is probably a symbol of a tribe or family, which in some cases is accompanied by a phonetic name in which the name of a specific person is written from that family, and in some cases, without a phonetic name and after a numerical system only with the family name of the contracted party.

Keywords: Ideograms, Proto Elamite Writing, Susa, Tablet.

* Ph.D. Candidate of Archeology, University of Tehran (Corresponding Author),
Hassanafshari@ut.ac.ir

** Associate Professor, Department of Archaeology, Islamic Azad University Varamin, Pishva Branch,
Ruhollah.yousefi@iauvaramin.ac.ir

Date received: 15/11/2020, Date of acceptance: 24/10/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی اندیشه‌نگار مرکب M153+ M342 در نگارش آغاز ایلامی

حسن افشاری*

روح‌الله یوسفی زشک**

چکیده

خط آغاز ایلامی قدیمی‌ترین نظام نگارشی در فلات ایران است که به صورت گسترده در محدوده ذکر شده مورد استفاده قرار می‌گرفت. احتمالاً کاتبان برحسب نیاز از این خط برای متون پیچیده و ساده استفاده می‌کرده‌اند. ساختار نگارشی بخش وسیعی از گل‌نشته‌های باقی‌مانده، که تحت عنوان «متون استاندارد» شهرت یافته‌اند، نسبتاً یک‌سان است و این امر موجب شده است تا شناخت بیش‌تری از این خط به دست بیاوریم. هدف از این پژوهش بررسی کارکرد اندیشه‌نگار M153 و اندیشه‌نگار مرکب M153+M342 در قسمت‌های مختلف لوح‌های استاندارد آغاز ایلامی است. نگارندگان با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری به روش پژوهشی کوشیده‌اند تا پس از شناسایی کاربرد متفاوت دو اندیشه‌نگار مرکب به بررسی علل قرارگیری این نشانه در قسمت‌های مختلف متن گل‌نشته‌ها بپردازند. به‌طور کلی، در نیمی از متون در انتهای کتیبه زنجیره‌ای از نشانه‌های آوایی و سپس اندیشه‌نگار M153+M342 آورده شده و در نیمی دیگر از متون، این اندیشه‌نگار بعد از نگارش یک نظام عددی به‌عنوان نشانه پایانی به متن لوح خاتمه می‌دهد. در نتیجه، گمان می‌رود که نماد قبيله یا خاندانی باشد که در مواردی همراه با اسم آوایی (شاید نشان اسم شخص خاصی از آن

* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، Hassanafshari@ut.ac.ir

** استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ورامین - پیشوا

Rouhollah.yousefi@iauvaramin.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸



خاندان باشد) نگاشته می‌شد. در مواردی دیگر، بدون اسم آوایی و بعد از یک نظام عددی تنها با نشانه خاندان، شخص طرف قرارداد، یا پرداختی مشخص می‌شده است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه‌نگار، نگارش آغاز ایلامی، شوش، گل‌نشته، آغاز میخی.

۱. مقدمه

یکی از دوره‌های تاریخی که در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است دوره آغاز ایلامی است. نام «آغاز ایلامی» را نخستین بار ونسان شیل (Vincent Scheil) در سال ۱۹۰۵ با کشف گروهی کتیبه ابتدایی در شهر شوش ابداع کرد (Scheil 1905). در آغاز، آن را نظامی نگارشی در جنوب غربی ایران قلمداد کردند، اما با کشف این نظام نگارش در سیلک کاشان در سال ۱۹۴۳ (گیرشمن ۱۳۷۸: ۷۱) و سپس، محوطه تل‌گسر در سال ۱۹۴۸ از این واژه برای توصیف یک هویت فرهنگی استفاده شد (McCown 1949). در مجموع، این واژه معانی متعددی دارد. برای مثال، گاهی از آن در اصطلاحی برای نامیدن تمدن و گاهی نیز با احتیاط برای نام‌بردن از یک پدیده خاص استفاده می‌کنند. تنها تعریف مشترک میان آن‌ها نوعی ساختار تشکیلات اداری شامل گونه خاصی از مهرها و الواح نوشتاری شمارشی است که گاهی نیز با علائمی هم‌راه‌اند (هلوینگ ۱۳۸۳: ۱۵۰).

گاه‌نگاری این دوره، با توجه به نمونه‌های کربن ۱۴ از میان و یک مورد از شوش، فاصله زمانی ۳۳۰۰-۳۰۰۰ پم شکل تکامل یافته خط آغاز ایلامی را نمایش می‌دهد (Dahl et al. 2013: 358)، اما هنوز اواخر این دوره فرهنگی چندان مشخص نیست (پاتس ۱۳۹۷: ۹۹). محوطه‌های گوناگونی از این دوره زمانی در ایران وجود دارد که برخی از آن‌ها کاوش شده‌اند، اما از میان آن‌ها تاکنون در هشت محوطه گل‌نشته‌های آغاز ایلامی به دست آمده است: ۱. شوش، ۲. سیلک، ۳. تل‌گسر، ۴. تپه یحیی، ۵. تل‌ملیان، ۶. شهر سوخته، ۷. تپه‌زبکی، ۸. تپه‌سفالین (Dahl et al. 2013: 345; Desset 2012: 4-7).

در حدود ۱۷۶۰ لوح آغاز ایلامی منتشر شده که ۸۸ درصد آن از شوش یافت شده است (Desset 2016: 70). با وجود برخی سبک‌های محلی نگارش در میان محوطه‌های تپه یحیی کرمان، ملیان فارس، تپه‌سفالین در دشت تهران، و شوش در خوزستان تمام آن‌ها از ساختار نگارشی یک‌پارچه‌ای برخوردارند که رمزگشایی آن‌ها با کشف اولین گل‌نشته‌ها از شوش در اوایل قرن بیستم آغاز شد (Scheil 1905) و در اوایل قرن بیست‌ویکم، با تحقیقات یوران

فریبرگ (Friberg 1978-1979)، رابرت انگلوند و دامرو (Englund and Damerow 1989)، یاکوب دال (Dahl 2002; 2005; 2012; 2013; 2015; 2018; 2019; Dahl et al. 2018)، و سپس فرانسوا دوسه (Desset 2012; Desset 2016) ساختارهای ابتدایی خوانش گل‌نشته‌های آغاز ایلامی شناسایی و معرفی شد. در این پژوهش، پس از طبقه‌بندی ساختار متون آغاز ایلامی، به بررسی نشانه M153 و نشانه مرکب M153+342 به‌کاررفته در گل‌نشته‌های آغاز ایلامی پرداخته می‌شود که به عقیده نگارندگان این مقاله، همگی آن‌ها از «متون استاندارد» آغاز ایلامی به‌شمار می‌روند. بیش از ۶۰ درصد مجموعه موردبررسی با نشانه مرکب M153+M342 خاتمه می‌یابد و تنها با دو نقش PES.329 و PES.334 ممهورند که احتمالاً این نقش قبیل، خاندان، یا خانواده‌ای بزرگ را نشان می‌دهد.

هدف این پژوهش بررسی گروهی از گل‌نشته‌های آغاز ایلامی به‌منظور یافتن شباهت و تفاوت‌هایی است که به شناخت بیش‌تر ساختار نگارشی آن‌ها منجر می‌شوند و پرسش‌های مهم این پژوهش عبارت‌اند از:

الف. اندیشه‌نگار M153 و M153+M342 بنابه ساختار متن کتیبه‌ها با چند نوع معنای مختلف نگارش شده‌اند؟

ب. کاربرد اندیشه‌نگار مرکب M153+M342 در انتهای برخی از لوح‌های آغاز ایلامی چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

ژاک دومورگان (Jacques de Morgan)، سرپرست فرانسوی کاوش‌های شوش، اولین متون آغاز ایلامی (دو متن) را در سال ۱۸۹۹ کشف کرد و یک سال بعد ونسان شیل آن‌ها را در چهارچوب خط میخی به‌شمار آورد و منتشر کرد (DeMorgan 1900). در حفاری‌های سال ۱۹۰۱/۱۲۸۰ش، گل‌نشته‌هایی بیش‌تر و در حفاری‌های بعدی نیز تعدادی دیگر پیدا شد تا این‌که شیل در ۱۹۰۵ دسته‌ای وسیع از گل‌نشته‌ها را تحت عنوان «آغاز ایلامی» منتشر کرد (Scheil 1905). او پس از کاوش در ترانسه شمال آکروپل تعداد ۴۹۰ گل‌نشته جدیدتر را در سال ۱۹۲۳ به‌چاپ رساند (Scheil 1923). سپس، در سال ۱۹۳۵ تعداد ۶۵۵ گل‌نشته دیگر منتشر کرد (Scheil 1935). دو مکمنم (DeMecquenem) پنجاه گل‌نشته را در سال ۱۹۴۹ منتشر کرد و در سال‌های بعد نیز لوح‌هایی پیدا شد، اما برای خوانش این متون تلاش چندانی صورت نگرفت تا این‌که در دهه ۱۹۷۰ با کاوش

لایه‌نگاری شوش (آکرپل I) توسط لوبرن، فرانسوا والا (François Vallat) تلاش‌های گوناگونی انجام داد (LeBurn and Vallat 1978; Vallat 1971-1973; Vallat 1985). از ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ یوران فریبرگ (Jöran Friberg)، ریاضی‌دان سوئدی، رمزگشایی اولیه یک گروه از متون آغاز ایلامی را، با استفاده از نظام‌های شمارشی معین و مشابه آن با متون بین‌النهرینی، پیش‌نهاد کرد (Friberg 1978-1979). پیتر دامرو (Peter Damerow) و رابرت انگلوند (Robert Englund) چند سال بعد تحقیق خود را درباره متون تپ‌یحیی آغاز کردند. آن‌ها با رمزگشایی تقریباً کامل از دو گروه متون آغاز ایلامی و آغاز میخی توانستند برپایه شماری از این نشانه‌ها تحلیل‌های جدیدی را ارائه کنند (Damerow and Englund 1989). با شروع قرن بیست‌ویکم کارهای تحقیقاتی یاکوب دال آغاز شد. او در سال ۲۰۰۵ رمزگشایی اولیه‌ای را از انواع اسم‌های گوسفند و بز در متون آغاز ایلامی شوش ارائه کرد. رمزگشایی‌های او برپایه مشاهدات متعددی هم‌چون بزرگی گله، ارتباط میان نرها و ماده‌ها در گله، شمار فرزندان، ارتباط میان ماده‌های بالغ و تولیدات شیر تصفیه‌شده، و مقایسه با عملیات حساب‌داری بین‌النهرین بنا شده بود (Dahl 2005). به‌تازگی فرانسوا دوسه به تحلیل ساختاری و ایدئوگرام‌های آغاز ایلامی پرداخته است (Desset 2012; Desset 2016). متأسفانه از این خط رمزگشایی کامل و مقبولی صورت نگرفته است و نگارندگان در این نوشتار سعی بر شناسایی بخش کوچکی از ساختار نگارشی آن دارند.

۳. ساختار گل‌نشته‌های آغاز ایلامی

شناسایی ساختار درست نگارش و خوانش گل‌نشته‌های آغاز ایلامی از اهمیت بالایی برخوردار است و پیش‌تر در سال ۲۰۱۳ یاکوب دال استاندارد قابل‌قبولی از طبقه‌بندی ساختار فیزیکی لوح‌های این دوره را ارائه داد (Dahl et al. 2013: 365-366). هر لوح آغاز ایلامی از چند قسمت متن تشکیل شده است و بیش‌تر آن‌ها با یک نشانه آغاز می‌شوند که علامت و نشانه‌ای برای کل متن است و شاید نشانه فرد، خاندان، یا بنگاه‌های اقتصادی باشد (Damerow and Englund 1989: 13). بعد از علامت آغازین در متن، یک سربرگ در اغلب موارد به‌صورت یک رشته اندیشه‌نگار یا نشانه‌های غیرعددی نوشته شده است (Englund 2004: 127) که پژوهش‌گران بر این نظرند می‌توانند حرف‌های استاندارد یا عناوینی باشند که در بین خاندان‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی وجود داشته و از آن‌ها استفاده می‌شده است. براساس ساختار رشته‌نشانه‌هایی که احتمالاً اسم‌اند، می‌توان حدس زد که ساختار هجایی داشته باشند و فردی را مشخص کنند که مسئولیتی را برعهده دارد

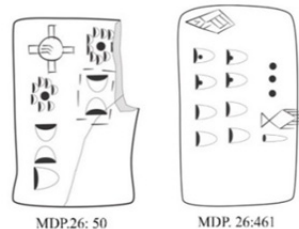
(Hawkins 2015: 4). در آخر، لوح با یک جمع پایان می‌یابد. اکثر متون آغاز ایلامی ورودی‌های حساب‌داری را در بر دارند و کل جمع‌آوری در پشت لوح نوشته می‌شده است. ویژگی کلی الواح آغاز ایلامی را می‌توان بدین صورت نام برد:

۱. اسناد آغاز ایلامی به صورت خطی نوشته شده‌اند؛
۲. اولین نشانه‌ها بر یک گل نبشته تقریباً مشابه عملکرد نشانه عنوان نامیده می‌شوند و سرفصل‌های آغاز ایلامی هرگز نشانه‌های عددی نیستند؛
۳. هر ورودی معمولاً شامل یک یا چندین نشانه اندیشه‌نگاری است که دنباله آن علامت عددی نگاشته شده است و عموماً متن لوح‌ها به عدد ختم می‌شود (ibid.).

احتمالاً، هر گل نبشته بنا بر فرهنگ کاتب و همچنین احساس نیاز در دادوستد به اشکال گوناگون پیشرفته و ساده تقسیم می‌شده است. متأسفانه از آن‌جا که بافت محل پیداشدن هر گل نبشته مشخص نیست، امروزه پژوهش‌گران بر حسب تکامل ظاهری یا مفاد متنی به دسته‌بندی این الواح می‌پردازند. نگارندگان گل نبشته‌های شوش را عمدتاً به شش قالب گروه اصلی تقسیم می‌کنند:

قالب گروه I: به دو زیرگروه تقسیم می‌شود و از ساده‌ترین مفاد متنی و فرم‌دهی گل نبشته‌ها برخوردار است. متأسفانه تمامی لوح‌های این گروه در کاوش‌های کلاسیک و فاقد لایه‌نگاری یافت شده‌اند و نمی‌توان نظر درستی از دوره زمانی آن‌ها ارائه کرد و شاید این گروه هم‌راه متون گروه II و III هم‌زمان توسط چند قشر متفاوت در شوش استفاده می‌شده است.

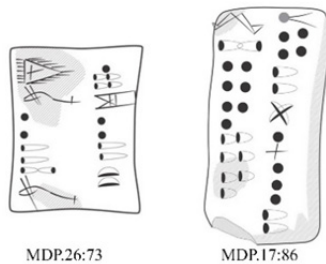
قالب گروه I.A: گل نبشته‌هایی که از لحاظ ابعاد نسبتاً بزرگ و ضخیم‌اند. این دسته از متون همگی متن بسیار ساده‌ای دارند یا در مواردی تنها یک اندیشه‌نگار هم‌راه یک زنجیره نشانه عددی ذکر شده است (تصویر ۱).



تصویر ۱. نمونه‌ای از گل نبشته‌های قالب گروه III.A.

منبع: <<https://www.cdli.ca>>

قالب گروه I.B: لوح‌هایی که از لحاظ ابعاد نسبتاً بزرگ و ضخیم‌اند. این دسته از متون چند مدخل ورودی دارند (تصویر ۲).

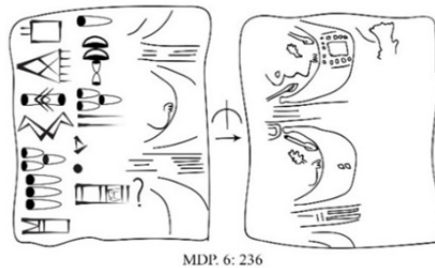


تصویر ۲. نمونه‌ای از گل‌نشته‌های قالب گروه II.B.

منبع: <<https://www.cdli.ca>>

قالب گروه II: این گروه از گل‌نشته‌ها همگی قواعد متنی دارند که به نام گل‌نشته‌های استاندارد شناخته شده‌اند و به دو قسمت A و B تقسیم می‌شوند. بیش‌ترین نقش مهرهای رسم‌شده بر گل‌نشته‌های آغاز ایلامی متعلق به این مجموعه است.

قالب گروه II.A: گل‌نشته‌هایی مستطیل‌شکل با ضخامت کم هستند که قسمت طولی لوح همیشه در جهت اصلی نگارش و موازی با جهت متن است، با یک قلم نازک نگاشته شده است، و یک یا دو نشانه آغازین با یک یا چند ورودی متنی دارد که ممکن است در آخر جمع شود (تصویر ۳). این گونه لوح‌ها در لایه‌های 16c-14b آکروپل I به دست آمده‌اند (Dahl et al. 2013: 366).



تصویر ۳. نمونه‌هایی از گل‌نشته‌های قالب گروه II.A، معروف به متون استاندارد،

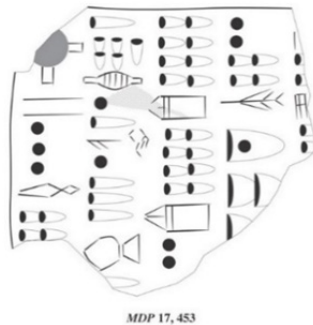
طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۹

قالب گروه II.B: گل‌نشته‌های این گروه همانند همتای دیگر خود هستند، با این تفاوت که مدخل‌های ورودی زیاد و پیچیده و اغلب ساختار متنی قانون‌مند دارند (تصویر ۴).



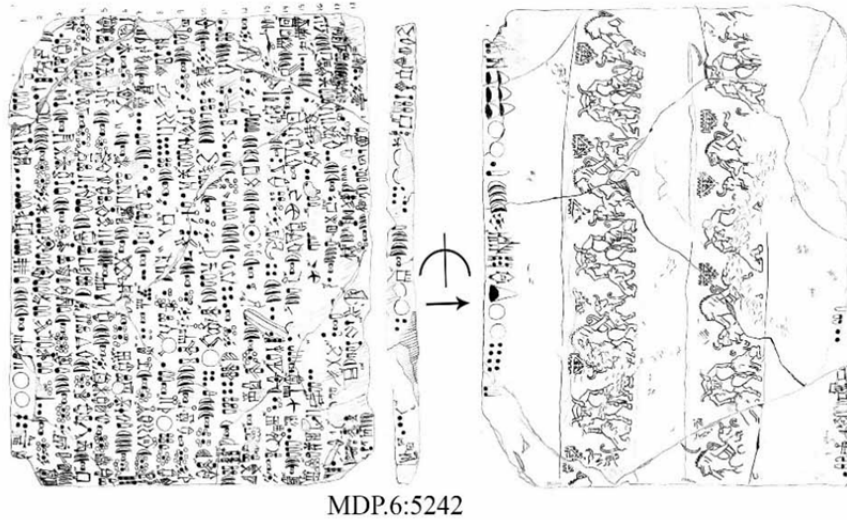
تصویر ۴. نمونه‌ای از گل‌نشته‌های قالب گروه II.B.
طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۹

قالب گروه III.A: گل‌نشته‌هایی با ابعاد بزرگ و با متن‌های طولانی که اغلب یک ورودی دارند و تمامی آن‌ها در کاوش‌های کلاسیک شوش به‌دست آمده‌اند (تصویر ۵). (ibid.)



تصویر ۵. نمونه‌ای از گل‌نشته‌های قالب گروه III.A.
منبع: <<https://www.cdli.ca>>

قالب گروه III.B: گل‌نشته‌هایی بزرگ و با متن‌های طولانی با چندین ورودی که در گل‌نشته‌های خاص طبقه‌بندی می‌شوند (تصویر ۶).



تصویر ۶. نمونه‌ای از گل‌نشته‌های قالب گروه III.B.

منبع: Scheil 1905

۴. معرفی اندیشه‌نگار مرکب M153+M342

پژوهش حاضر با شناسایی دو گروه لوح آغاز ایلامی آغاز شده است که تنها با دو مهر ممهور شده‌اند و با یک اسم با ساختار آوایی و سپس با اندیشه‌نگار M153+M342 خاتمه می‌یابند. در نگاه اولیه، اندیشه‌نگار M153+M342 را شاید بتوان نشانه‌ای از خاندان صاحبان دو مجموعه نقش مهر PES.329 و PES.334 قلمداد کرد، اما در بررسی کلی‌تر نشانه M153 و M153+M342 در انتهای تعداد بسیاری از لوح‌های با ساختار استاندارد متنی دیده می‌شود که بر برخی از آن‌ها نقش مهر متفاوتی رسم شده است که نشان می‌دهد شاید کاتبان یا صاحبان متفاوتی از این نشانه در آخر الواح خود استفاده کرده‌اند.

M153+M342 یک اندیشه‌نگار مرکب است که از دو اندیشه‌نگار M153 و M342 تشکیل شده است که هر دو آن‌ها به تنهایی معنا دارند. برای مثال، نشانه M153 در برخی از متون با ساختار آوایی ظاهر شده است؛ مانند لوح‌های MDP.26:291، MDP.26:001، MDP.17:93، MDP.26:265، MDP.17:447 و MDP.26:141. در مواردی این نشانه به تنهایی به کار رفته است که شاید بیان‌گر کار یا کالایی باشد؛ مانند لوح‌های MDP.6:397، MDP.17:440 و MDP.17:416. در مواردی به عنوان نشانه آغازین در برخی الواح ذکر شده است؛ مانند

لوح‌های MDP.26:177 و MDP.26:176 در مواردی با ادغام دیگر نشانه‌ها به صورت نشانه مرکب درآمده است. برای مثال، ادغام با نشانه M320 در لوح MDP.26S:4770، ادغام با M175 در لوح‌های MDP.17:467 و MDP.17:389، ادغام با نشانه M106 در گل‌نشته MDP.26:401، ادغام با نشانه M029 در لوح MDP.6:318، و در نهایت ادغامی با اندیشه‌نگار M342 را می‌توان نام برد. نشانه مرکب M153+M342 در مواردی به عنوان نشانه آغازین در آغاز گل‌نشته مانند MDP.17:420 و TCL.32:21 و در مواردی در وسط متون به عنوان یک اندیشه‌نگار شاید نماد شخص (به صورت کلی نشانه خاندان یا قوم) یا کالا ذکر شده است؛ مانند گل‌نشته‌های MDP.26S:5209، TCL.32:70-78، و MDP.6:233. در نهایت، این نشانه به نشانه خاتمه متن در پایان لوح‌ها ذکر شده است که همین مورد هدف اصلی این بررسی است.

نگارندگان، با بررسی تعداد ۳۴ لوح از مجموعه الواح آغاز ایلامی که تاکنون منتشر شده است، به تحلیل برخی از متون می‌پردازند که با نشانه پایانی خاتمه می‌یابند. از این تعداد هجده مورد با نقش مهرهای PES.334 و PES.329 ممهورند، پانزده نمونه آن با اندیشه‌نگار M153 پایان می‌یابد که متأسفانه، به دلیل آسیب‌های وارد شده بر لوح‌ها، تنها در یازده نمونه آن یعنی «TCL.32:021، MDP.6:223، MDP.26S:4752، MDP.26S:4753، MDP.26S:4773، MDP.26S:4783، MDP.26S:4794، MDP.26S:4802، MDP.26S:5013، MDP.26S:5043، و MDP.26S:5209» به صورت کامل دو اندیشه‌نگار M153+M342 را می‌توان شناسایی کرد و فقط M153+? در چهار گل‌نشته قابل خواندن است که عبارت‌اند از: MDP.6:231، MDP.6:236، MDP.6:4803، و MDP.26S:0295. احتمالاً M342 آسیب‌دیده است و در یک لوح (MDP.26S:0234) به دلیل آسیب فراوان تنها نقش مهر آن قابل مشاهده است. از میان دو لوح باقی‌مانده، از MDP.6:347 قسمت کوچکی باقی مانده است و در لوح MDP.17:067 اندیشه‌نگار M153+M342 در وسط متن به نمایش درآمده است و به دلیل آسیب‌دیدگی فیزیکی انتهای متن نشانه پایانی قابل خوانش نیست. تعداد شانزده گل‌نشته دیگر با ساختار متن متفاوت و برخی با نقش مهرهای متفاوت ترسیم شده‌اند که با نشان M153+M342 خاتمه می‌یابند.

۱.۴ بررسی متون ممهور با نقش مهر PES.329

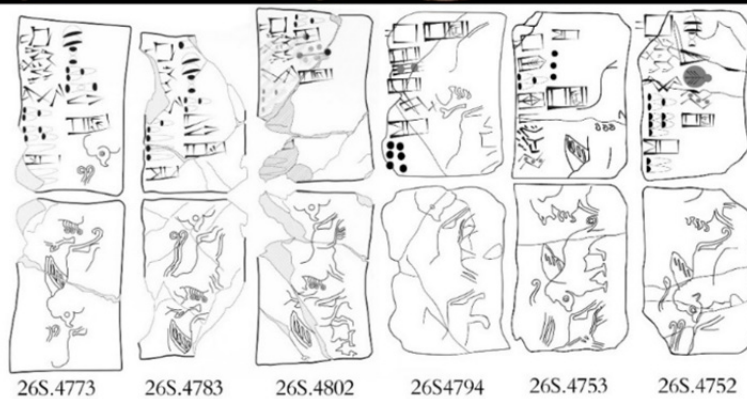
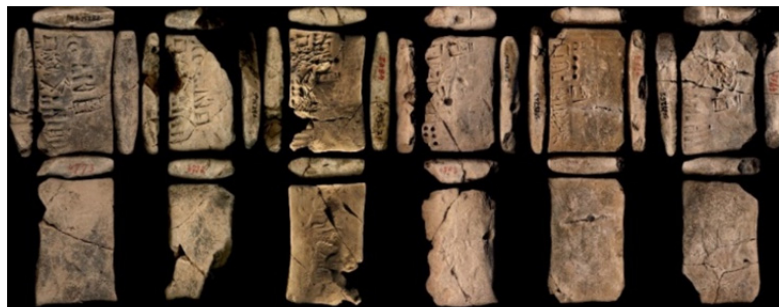
از میان ده گل‌نشته با نقش مهر PES.329 (تصویر ۷) در هفت نمونه آن «MDP.26S:0234، 5209، 4794، 4753، 4752، 4802، 4783، 4773» با اندیشه‌نگار M153+M342 قابل خوانش

هستند و در گل نبشته TCL.32:21 به صورت نشانه آغازین آمده است و یک مورد آن MDP.26S:4803، به دلیل ریختگی فرم گل نبشته، تنها اندیشه نگار M153+? دیده می شود. این نشانه در لوح MDP.26S:234 احتمالاً به دلیل شکستگی از بین رفته است (تصویر ۸-۹).



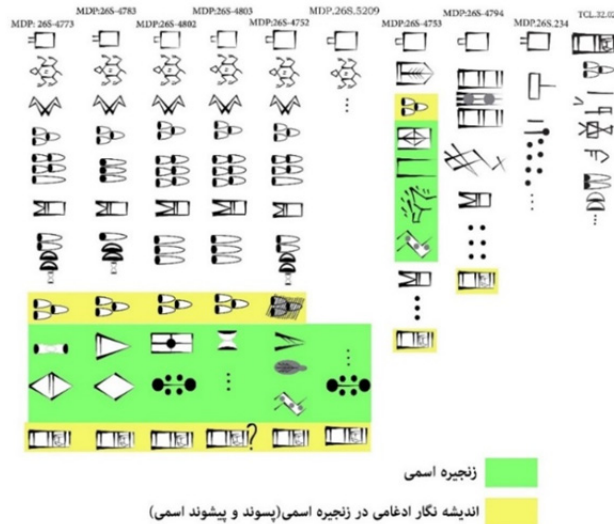
تصویر ۷. نقش مهر PES.329، منبع: <<https://www.cdli.ca>>.

طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۸



تصویر ۸. برخی گل نبشته های مهور با نقش مهر PES.329، منبع: <<https://www.cdli.ca>>.

طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۸؛ Dahl 2012



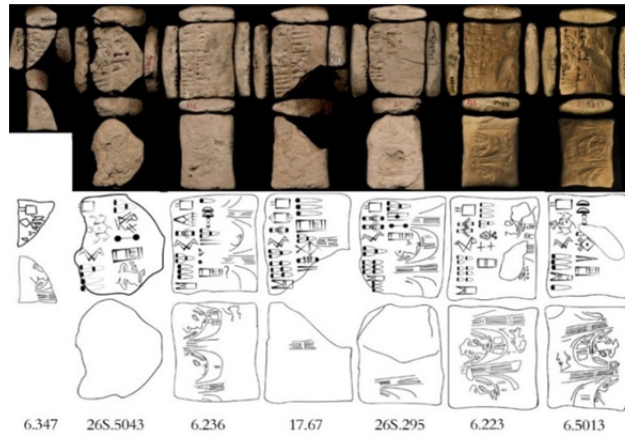
تصویر ۹. طراحی متن ده گل‌نشته آغاز ایلامی که با نقش مهر PES.329 مهورند، طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۹

۲.۴ بررسی متون مهور با نقش مهر PES.334

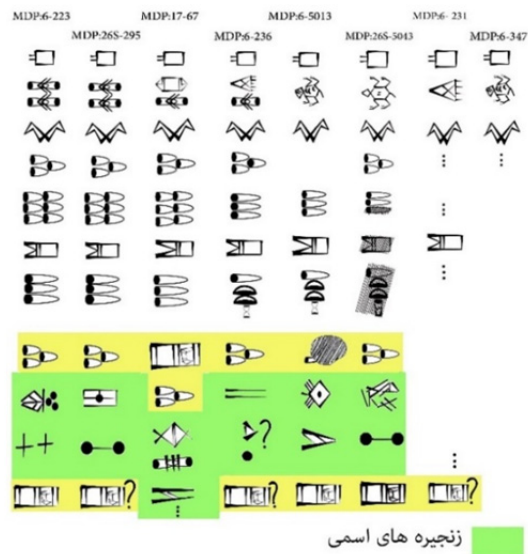
تعداد هشت گل‌نشته با نقش مهر PES.334 (تصویر ۱۰) شناسایی شده است که در سه مورد آن، یعنی «MDP.6: 223, MDP.26S: 5013, 5043» با اندیشه‌نگار M153+M342 خاتمه یافته است. در سه مورد دیگر «MDP.6: 236, 231, 26S 0295»، به دلیل آسیب‌های فیزیکی وارد شده به لوح‌ها، تنها «M153+?» خواناست و در دو مورد دیگر، «MDP.6:347»، به دلیل شکستگی، تنها بخش کوچکی از اول متن رؤیت می‌شود و در دیگری، یعنی MDP.17:067، اندیشه‌نگار مذکور در وسط متن تکرار شده و قسمت انتهایی متن بر اثر آسیب از بین رفته است (تصویر ۱۱-۱۲).



تصویر ۱۰. نقش مهر PES.334. منبع: <<https://www.cdli.ca>>، طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۸



تصویر ۱۱. برخی گل‌نشته‌های ممهور با نقش مهر PES.334. منبع: <<https://www.cdli.ca>>، طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۸



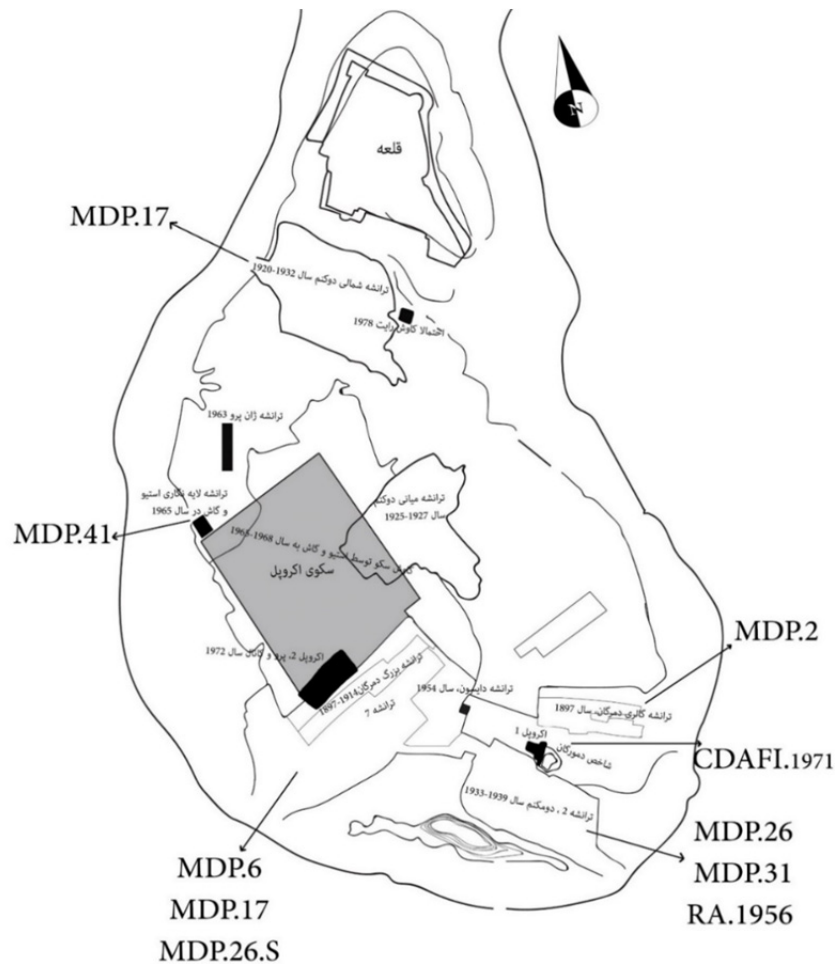
تصویر ۱۲. طراحی متن هشت گل‌نشته آغاز ایلامی که با نقش مهر PES.334 ممهورند، طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۹

گل‌نشته‌های این مجموعه ابعادی با میانگین ۶۵-۷۰ میلی‌متر طول، ۴۵-۵۰ میلی‌متر عرض، و ۱۶-۱۷ میلی‌متر قطر دارند (Dahl 2012: 6). تمامی گل‌نشته‌ها پشت و رو

ممه‌ورند و نگاشته شده‌اند، زیرا بر سطح گل‌نشته اثر مه‌ری دارد که در فضای چ‌پ گل‌نشته نقش شده و این درصورتی است که با بررسی‌های هالی پیتمن فقط ۱۵.۷ درصد گل‌نشته‌های آغاز ایلامی شوش نقش مهر دارند (Pittman 1997: 139) آن‌هم اغلب بر یک طرف گل‌نشته ممه‌ور است و تنها تعداد کمی دو طرف مهر دارد. این مجموعه با دو طرف ممه‌ور و سپس متنی ساده با یک مدخل حساب‌داری، یک اسم آوایی، و سپس اندیشه‌نگار مرکب غیر عددی خاتمه می‌یابد که در چند مجموعه از کاتالوگ‌های موزه لوور (MDP) با اختلاف در سال‌های متفاوتی منتشر شده است (Scheil 1935: I) و متأسفانه اطلاعات کاوش این گل‌نشته‌ها موجود نیست. هم‌چنین، باستان‌شناسان کلاسیک به دسته‌بندی گل‌نشته‌های به‌دست‌آمده در هر بافت مشخص و مکانی اصلاً توجهی نداشته‌اند و حتی از تشخیص خشت برای تقسیم‌بندی معماری‌ها شناختی نداشته‌اند و کاوش آن‌ها به‌صورت معدن‌کاوی و با شیوه متریک به ضخامت پنج متر بوده (Dahl 2005: 83) که باعث شده است تعداد زیادی گل‌نشته بدون هیچ‌گونه مشخصات و دسته‌بندی داشته باشیم.

پنج نمونه از گل‌نشته‌های این پژوهش در سال ۱۹۰۵ منتشر شد (Scheil 1905). این مجموعه را دومورگان در سال ۱۹۰۱ به‌دست آورد؛ در جایی که بعدها به‌نام ترانشه بزرگ دومورگان معروف شد (Scheil 1923: I). از کاوش‌های سال ۱۹۰۷ تا ۱۹۲۳ تعداد زیادی گل‌نشته به‌دست آمده است که بیش‌تر آن‌ها در شمال تپه آکروپل کشف شده بودند که به‌هم‌راه بخشی از گل‌نشته‌های به‌دست‌آمده از ترانشه بزرگ دومورگان منتشر شد (ibid.). تعداد یازده عدد از گل‌نشته‌های قابل‌بررسی در این مقاله در کتاب MDP.26S جمع‌آوری شده‌اند که لوح‌هایی هستند که در کاوش ترانشه بزرگ دومورگان به‌دست آمده‌اند و بخشی از MDP.6 محسوب می‌شوند و با شماره‌گذاری ادامه‌الوواح MDP.6 قرار گرفتند (ibid.). آخرین لوح بررسی‌شده در این نوشتار از مجموعه موزه لوور است که پس از گذشت بیش از صد سال، توسط یاکوب دال انتشار یافت (Dahl 2019). با توجه به اطلاعات کسب‌شده در زمینه محل کشف این دو مجموعه گل‌نشته با نقش مهرهای «PES. 329, 334» که در سه مجموعه MDP.17، MDP.26S، و MDP.6 منتشر شده، هر سه کتاب تعدادی گل‌نشته از ترانشه بزرگ دومورگان را منتشر کرده‌اند (تصویر ۱۳). از آن‌جاکه تمامی الواح فوق از این سه کتاب یافت شده، باید پذیرای این نکته باشیم که اندیشه‌نگار M153+M342 تنها در گل‌نشته‌های به‌دست‌آمده از یک نقطه تپه بزرگ شوش است و در تپه شمالی و جنوبی (به‌جز دو نمونه نادر که شاید به‌صورت تصادفی در ثبت‌وضبط کاوش‌های قدیمی شوش

بوده) به دست نیامده است. پس، احتمالاً این اندیشه‌نگار نمی‌تواند بخشی از یک نظام نگارشی باشد، بلکه تنها قابل استفاده مردمان یک نقطه خاص از شوش بوده است.

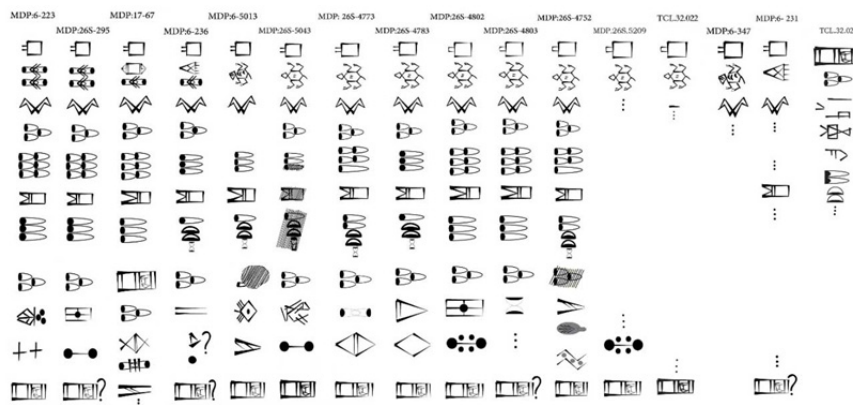


تصویر ۱۳. نقشه محل قرارگیری ترانشه‌های کاوش شده و همچنین محل یافت شدن گل‌نشته‌های آغاز ایلامی در تپه آکروپول شوش، تصویر از: نگارندگان ۱۳۹۸

۵. بررسی تحلیلی اندیشه‌نگار M153+M342

همگی متون این مجموعه با مفاد پرداخت دست‌مزد است و با نشانه M175 آغاز می‌شود. سپس، نشانه‌ای ذکر می‌شود که شاید مرتبط با شغل یا تخصص مرتبط با پرداخت است و

از آن‌جا که اکثر الواح این مجموعه با دو نوع نقش مهر ممهور است، اکثر نشانه‌های حرف M122، M305، M387-C، و M340 هستند و پس از شمارش تعداد کارگر و پرداخت دست‌مزد به مقدار نیم از نیروی کار، یک زنجیره اسمی با ساختار آوایی ذکر شده است. نکته قابل توجه این است که در همگی متون، این اسم‌ها متفاوت ذکر شده‌اند و کاربرد آن در متن نامشخص است و در انتهای لوح با نشانه مرکب M153+M342 خاتمه می‌یابند. تنها در یکی از گل‌نشته‌های ممهور با نقش مهر PES.329، نشانه M153+M342 در آغاز لوح نگاشته شده است (تصویر ۱۴). از آن‌جا که به احتمال زیاد تمامی اندیشه‌نگارهای مرکب M153+M342 از گل‌نشته‌های یک نقطه جغرافیایی شوش به دست آمده و هم‌چنین کاربرد اضافه و غیردستوری این نشانه مرکب در گل‌نشته‌ها قابل درک است و در یک مورد به عنوان نشانه آغازین لوح، احتمالاً نشانه صاحب گل‌نشته، به کار رفته، باعث شده است که نگارندگان این نشانه مرکب را، نماد احتمالی یک قبیله، خاندان، یا خانواده‌ای بزرگ بدانند که در متون نگاشته شده درون یک خاندان، نام طرف مقابل با نشانه‌های آوایی تفکیک و جداسازی شده است و عموماً نیز فقط با دو نقش مهر و یک ساختار متنی مشترک نگاشته شده‌اند.

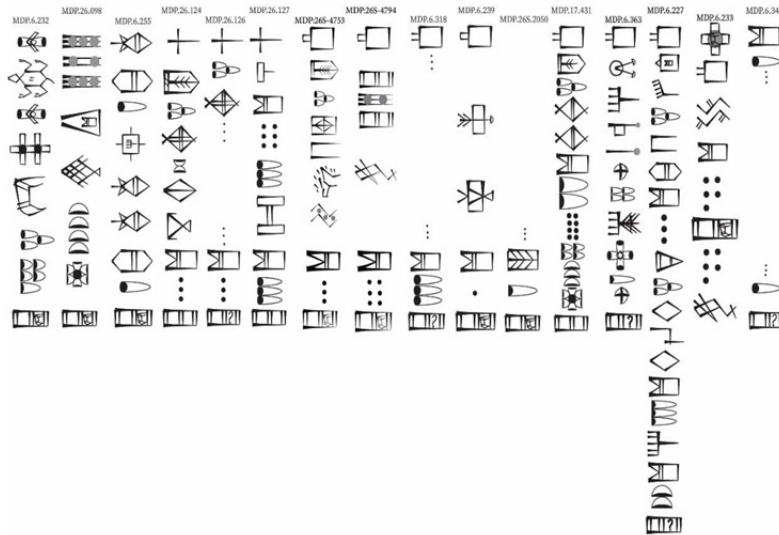


تصویر ۱۴. مجموعه‌ای از متون که احتمالاً قبل از نشانه M153+M342 با یک زنجیره اسمی خاتمه می‌یابد، طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۹

اندیشه‌نگار مرکب M153+342 در انتهای دسته‌ای دیگر از متون منتشر شده که شامل لوح‌های « MDP.6:227, 232, 233, 239, 345, 255, 318, 363; MDP.26:98,124, 126, 127; » MDP.17:431; MDP.26S:5020, 5209; TCL.32:22 است. نکته جالب توجه این است که ساختار متنی این مجموعه گل‌نشته کاملاً با نمونه قبلی متفاوت است و از آن‌جا که دو لوح

این مجموعه بسیار به مجموعه‌های معرفی شده قبلی شبیه‌اند، پس احتمالاً گل‌نشته‌های MDP.26S:5209 و TCL.32:22 قبل از نشانه موردنظر با یک زنجیره آوایی همانند دو مجموعه فوق خاتمه می‌یابند، در صورتی که بر لوح TCL.32:22 که نقش مهر PSE:333 رسم شده است با دیگر متون ممهور با نقش مهر PSE:333، مانند MDP.6:334، ساختار متنی کاملاً متفاوتی دارند و در متون استاندارد II.B دسته‌بندی می‌شوند و نشان می‌دهند که بنابه نوع مبادله یا قرارداد می‌توانند ساختار متنی متفاوتی ایجاد کنند. متأسفانه این لوح بسیار آسیب دیده است و نمی‌توان آخرین نشانه لوح را بررسی کرد و پی برد که آیا آن‌هم با نشانه M153+M342 خاتمه می‌یابد یا نه (تصویر ۱۴).

لوح‌های این مجموعه با ساختار متنی کاملاً متفاوت کنارهم قرار گرفته‌اند و هرکدام با نشانه آغازین متفاوتی شروع می‌شوند. هم‌چنین، نشانه دوم متن‌ها، که شاید نشانه حرفه یا تخصص باشد، متفاوت نگاشته شده است و امروزه اطلاعات چندانی از این حرفه‌ها نداریم و تنها در یک مورد، آن‌هم لوح MDP.6:363، متن مرتبط با دام مکتوب شده و بقیه متون احتمالاً پرداخت دست‌مزد است. برای برخی از آن‌ها با اطمینان می‌توان گفت که در زمینه کشاورزی سخن به میان آمده است. برای مثال، گل‌نشته MDP.6:233 با پرداخت در زمینه شخم زمین مرتبط است و در مواردی مهرهایی متفاوت بر لوح این متون ممهور است و تنها دو مورد آن با نقش مهر PES.329 است. از آن‌جاکه این مجموعه از MDP.17 و MDP.26 نیز گردآوری شده است، نشان می‌دهد که این متون در شمال و هم‌چنین جنوب تپه شوش رواج داشته است. هم‌چنین، نشان می‌دهد که کاتب و پرداخت‌کننده دیگری در میان این گروه از متون وجود دارد. برخی از متون این مجموعه زنجیره اسم آوایی دارند؛ مانند لوح‌های MDP.6:227، MDP.17:431، و MDP.26:124، 126 که ورودی آغازین لوح زنجیره نشانه‌های اسمی دارد، پس از نشانه پرداخت با اعداد پرداخت شده خاتمه می‌یابد، و در انتهای متن، نشانه M153 و M153+M342 قرار گرفته است (تصویر ۱۵). از آن‌جاکه این نشانه در مجموعه قبل به‌عنوان نشانه آغازین نقش مهر PES.329 به‌کار رفته است، احتمالاً نشانه فوق برای دوم‌شخصی است که مفاد متن درمورد او نگاشته شده است و باتوجه‌به مجموعه قبلی، احتمال نشانه خاندان یا قبیله را بیش‌تر می‌کند. شاید در این مجموعه گل‌نشته نفر دوم طرف پرداختی شخصی از خاندان یا خانواده‌ای باشد که به‌جای قرارگیری نام او به‌صورت آوایی تنها با نشانه خاندانی شناخته شده است. دو نقش مهر PES.329 و PES.334 از اعضای این خاندان به‌دست آمده است.



تصویر ۱۵. مجموعه‌ای از متون که قبل از نشانه M153+M342 با یک نظام عددی خاتمه می‌یابد، طراحی از: نگارندگان ۱۳۹۹

جدا از نمونه‌های ذکر شده از لوح‌های منتشر شده شوش در بررسی نگارندگان، فقط در چند مورد اندیشه‌نگار M153+? در وسط متن آمده و در حدود یازده نمونه آن علامت مذکور در انتهای متن تکرار شده است، در حالی که بالای ۹۷ درصد گل‌نشته‌های شوش فقط با عدد خاتمه می‌یابند. از میان ۳ درصد باقی‌مانده بخش قابل‌توجهی از آن به اندیشه‌نگار M153 اختصاص یافته است. از این میان، تنها در سه لوح « MDP.6: 232, 363, 255 » می‌توان به صورت کاملاً خوانا اندیشه‌نگار M153+M342 را تشخیص داد و در بقیه، به دلیل آسیب فیزیکی گل‌نشته‌ها، فقط M153+? قابل‌خوانش است که این لوح‌ها بدین قرارند: MDP.6: 227, 239, 318, MDP.17:431, MDP.26:124, 126, 127, MDP.26S:5209.

۶. نتیجه‌گیری

یکی از دوره‌های تاریخی که در چند دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته دوره آغاز ایلامی است. این نام اولین بار در سال ۱۹۰۵ به یک خط اطلاق و چند دهه بعد به یک دوره فرهنگ تاریخی تبدیل شد. محوطه‌های گوناگونی از این دوره در ایران یافت شده که مورد کاوش قرار نگرفته یا لوح‌های آغاز ایلامی در آن‌ها پیدا نشده‌اند. گل‌نشته‌های

کشف شده در هشت محوطه با نمونه‌های آغاز ایلامی زنجیره‌ای یک پارچه را از کهن‌ترین خط برجای مانده در فلات ایران نشان می‌دهند و هرکدام از این نواحی سبک سنتی یا محلی با نظامی یک پارچه در سبک نگارش دارند. احتمالاً کاتبان برحسب نیاز از گل نبشته‌های پیشرفته و ساده در یک برهه از زمان کتابت یاری گرفته‌اند که متأسفانه از آن‌جا که به جز شوش در کاوش محوطه‌های آغاز ایلامی لوح‌های کمی به دست آمده است و در الواح شوش هم بافت قرارگیری گل نبشته‌ها مشخص نیست، نمی‌توان نظر خاصی را در این باره مطرح کرد. گل نبشته‌های آغاز ایلامی، باتوجه به فرم و محتوا، به شش دسته کلی از ساده به پیچیده تقسیم می‌شوند. دو دسته آن‌ها به نشانه متون استاندارد نام‌گذاری می‌شوند که این متون استاندارد ساختار نگارشی نسبتاً یکسانی دارند.

در این بررسی به معرفی کارکرد متفاوت اندیشه‌نگار M153 پرداخته شده که در برخی گل نبشته‌ها احتمالاً با ارزش آوایی نشان داده شده است. در مواردی این نشانه‌ها به تنهایی نمادی از ایده‌ای اندیشه‌نگار، سمبلی از کالا، یا فعالیتی خاص نگاشته شده و در مواردی به عنوان نشانه آغازین به کار رفته که در آخر با برخی نشانه‌ها جمع و مرکب شده است. به عنوان مثال، یکی از این نمونه‌ها ادغام با نشانه M342 است که به صورت M153+ M342 درمی‌آید. این نشانه مرکب در مواردی به صورت یک نماد اندیشه‌نگار در متن گل نبشته به کار رفته (شاید کار یا کالای خاص) است، اما باتوجه به گل نبشته‌هایی که تاکنون منتشر شده‌اند، ۳۴ لوح آغاز ایلامی با این نشانه مرکب خاتمه می‌یابند که احتمالاً کاربرد معنایی گل نبشته را تکمیل می‌کند.

نیمی از گل نبشته‌های این مجموعه تنها با دو نقش به نام‌های PES:329 و PES:334 مهورند و در تمامی گل نبشته‌های این گروه، در صورتی که انتهای متن لوح سالم باشد، با زنجیره‌ای از نشانه‌های احتمالاً آوایی و سپس نشانه مرکب M153+M342 خاتمه می‌یابند. در باقی مجموعه که برخی از آن‌ها نقش مهر ندارند یا اگر دارند، با دو گونه نقش مهر قبلی متفاوت‌اند، با یک نظام عددی و اندیشه‌نگار M153+342 یا M153 خاتمه یافته‌اند. از آن‌جا که به احتمال زیاد تمامی اندیشه‌نگار مرکب M153+M342 از گل نبشته‌های یک نقطه جغرافیایی شوش به دست آمده‌اند و هم‌چنین کاربرد اضافه و غیردستوری این نشانه مرکب در گل نبشته‌ها و هم‌چنین در لوح TCL.32:21 به عنوان نشانه آغازین احتمالاً نشانه صاحب لوح است، نگارندگان احتمال می‌دهند که این نشانه مرکب نماد یک قبیله، خاندان، یا خانواده‌ای بزرگ باشد. در مواردی، بعد از نشانه اسمی با ساختار آوایی اندیشه‌نگار M153+342 نگاشته

شده است که احتمالاً اسم شخصی از یک خاندان و قبیله باشد که با نام جداسازی و تفکیک شده است. این لوح‌ها عموماً تنها با دو نقش مهر و با ساختار نگارشی یک‌سان به‌یادگار مانده‌اند. در مواردی هم، این نشانه در انتهای گل‌نشته و بعد از زنجیره‌ای از نشانه‌های عددی نگاشته شده است که احتمالاً در این متون، تنها با نشانه‌های خاندان یک شخص، او را برجسته یا متمایز می‌دانند.

کتاب‌نامه

پاتس، تیموتی (۱۳۹۷)، *ایران در اسناد میان‌رودانی*، ترجمه‌ی خشایار بهادری، تهران: فرزانه‌روز.
گیرشمن، رومن (۱۳۷۸)، *سیلک کاشان؛ کهن‌ترین زیستگاه انسان در فلات ایران*، ترجمه‌ی اصغر کریمی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
هلوینگ، باربارا (۱۳۸۳)، «آغاز ایلامی در فلات مرکزی ایران»، *سفالگران سیلک*، ترجمه‌ی صادق ملک‌شهمیرزادی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

- Dahl, J. L. (2002), "Proto-Elamite Sign Frequencies", in: *Cuneiform Digital Library Bulletin (CDLI)*.
- Dahl, J. L. (2005), "Animal Husbandry in Susa during the Proto-Elamite Period", *SMEA*, vol. 47.
- Dahl, J. L. (2009), "Early Writing in Iran, A Reappraisal", *Iran*, vol. 47.
- Dahl, J. L. et al. (2013), "Chronological Parameters of the Earliest Writing System in Iran", in: *Ancient Iran and Its Neighbours: Local Developments and Long-Range Interactions in the 4th Millennium BC*, C. A. Petrie (ed.), Oxford: Oxbow Books.
- Dahl, J. L. (2018), "The Proto-Elamite Writing System", in: *The Elamite World*, J. Álvarez-Mon, G. P. Basello, and Y. Wicks (eds.), London: Routledge.
- Dahl, J. L. (2019), "Proto-Elamite Tablets and Fragments", *Textes Cunéiformes du Louvre*, Paris: Khéops / Louvre éditions Publishing.
- Dahl, J. L., L. F. Hawkins, and K. Kelley (2018), "Labour Administration in Proto-Elamite Iran", in: *What's in a Name? Terminology Related to the Work Force and Job Categories in the Ancient Near East*, A. Garcia-Ventura (ed.), Ugarit Verlag: Münster.
- Damerow, P. and R. K. Englund (1989), "The Proto-Elamite Texts from Tepe Yahya", in: *The American School of Prehistoric Research Bulletin*, Cambridge: MA.
- DeMecquenem, R. (1949), "Épigraphie Proto-Élamite", *Mémoires de la Mission Archéologique en Iran*, vol. 31.
- DeMecquenem, R. (1956), "Notes Protoélamites", *RA*, vol. 50.
- DeMorgan, J. (1900), "Recherches Archéologie", in: *Mémoires de la Délégation en Perse 1*, Paris.

- Desset, F. (2012), *Premières Écritures Iraniennes. les Systèmes Proto-Élamite et Élamite Linéaire*, Università degli studi di Napoli L'Orientale. Dipartimento Asia Africa e Mediterraneo
- Desset, F. (2016), "Proto-Elamite Writing in Iran", *ARCH'O-NIL*, vol. 26.
- Englund, R. K. (2004), "The State of Decipherment of Proto-Elamite", in: *The First Writing: Script Invention as History and Process*, S. Houston (ed.), Cambridge: Cambridge University Press.
- Friberg, J. (1978-1979), *The Third Millennium Roots of Babylonian Mathematics*, I-II, University of Göteborg, Department of Mathematics, Göteborg.
- Hawkins, L. F. (2015), "A New Edition of the Proto-Elamite Text MDP 17, 112", *Cuneiform Digital Library Journal*, no. 1.
- LeBurn, A. and F. Vallat (1978), "L'origine de L'écriture à Suse, *Cahiers de la Délégation Archéologique Française en Iran*, no. 8.
- Meriggi, P. (1974), *La Scrittura Proto-Elamica*, Parte Ila: Catalogo dei Segni Rome.
- Pittman, H. (1997), "The Administrative Function of Glyptic Art in Proto-Élamite Iran", in: *A Survey of the Evidence, Sceaux d'Orient et Leur Employ*, Res Orientales, vol. X.
- Scheil, V. (1905), "Documents Archaïques en Écriture Proto-Élamite", *Mémoires de la Délégation en Perse*, no. 6.
- Scheil, V. (1923), "Textes de Comptabilité Proto-Élamites", *Mémoires de la Délégation en Perse*, no. 17.
- Scheil, V. (1935), "Texte de Comptabilité", *Mémoires de la Mission Archéologique en Perse*, vol. 26.
- Vallat, F. (1971), "Les Documents Epigraphiques de l'Acropole (1969-1971)", in: *Cahiers de la Delegation Archeologique Francaise en Iran I*, Paris: Geuthner.
- Vallat, F. (1973), "Les Tablettes Proto-Elamites de l'Acropole (Campagne 1972)", *Cahiers de la Delegation Archeologique Francaise en Iran III*.
- Vallat, F. (1978), "Le Matériel Épigraphique des Couches 18 à 14 de l'Acropole", *Paleorient*, vol. 4, no. 1.
- Vallat, F. (1986), "The Most Ancient Scripts of Iran, in: The Current Situation", *World Archaeology*, vol. 17, no. 3.